



## صاحب امتیاز و مدیر مسئول

رضا غلامی

## سر دبیر

امیر سیاهپوش

## هیئت تحریریه

احمدحسین شریفی، عطاءالله رفیعی آتانی، رضا غلامی،

محمدجواد رضائی، سیدمحمدتقی موحدابطحی،

محسن سلگی، سیدعلی سیدی فرد و روح‌الله داوری.

## مدیر فنی و هنری

یوسف بهرخ

## عکس

آزاد پیراینده، احمد ظهراپی، آرشیو فصلنامه

## ویراستاران

حسام‌الدین حقیقیان، رضا شهبازی،

سعید فلاحی و فاطمه گلچین.

## بازبین نهایی

محمدابراهیم نیک‌زاد

## مدیر داخلی

روح‌الله داوری

## همکاران این شماره

محمدرضا بخشی، محسن جبارزاد، محمدجواد رضائی،

محسن سلگی و سید مهدی موسوی.

## چاپ و صحافی

چاپخانه میران

## نشانی مجازی

<https://journal.sccsr.ac.ir>

## رایانامه

[mag@sccsr.ac.ir](mailto:mag@sccsr.ac.ir)

## شماره تماس

تهران: ۰۲۱۹۶۶۵۷۸۰۱ / قم: ۰۲۵۳۲۹۳۸۵۶۲

## فروشگاه اینترنتی

<https://book.sccsr.ac.ir>

## نشانی فصلنامه

تهران: خیابان شهید مطهری

خیابان میرعماد - پلاک ۲۳ طبقه سوم

کد پستی: ۱۵۸۷۸۱۳۱۱۶

قم: خیابان جمهوری اسلامی - کوچه ۲۴

فرعی دوم سمت چپ - پلاک ۲۲

کد پستی: ۳۷۱۶۶۹۴۱۹۶



وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ

- مطالب مندرج در نشریه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان و گفت‌وگو شوندگان است.
- این فصلنامه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
- استفاده از مطالب فصلنامه، با یاد منبع، مانعی ندارد.
- مقالات و مطالب ارسالی بازگردانده نخواهد شد.

- این شماره فصلنامه با مشارکت مالی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و مرکز رشد واحدهای فناور و دانش‌بنیان دانشگاه جامع امام حسین (ع) منتشر شده است.



**نظام تأمین و مساعدت اجتماعی با رویکرد اسلامی**

- منبع مالی نظام تأمین اجتماعی: حق بیمه یا مالیات؟ | ۱۱۱
- گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید رضا حسینی
- ضرورت شفافیت و سادگی در تحقق نظام تأمین اجتماعی عادلانه | ۲۲۳
- گفت‌وگو با دکتر محمدجواد رضائی
- وظیفه دولت اسلامی: از تأسیس و تحکیم بازار تا تأمین اجتماعی | ۲۹۱
- گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی
- در آمد پایه همگانی به مثابه ابزاری برای حمایت اجتماعی: مبانی نظری و ملاحظات اجرایی | ۳۹۱
- دکتر سیروس امیدوار، حمیدرضا بهرمن، دکتر سید مرتضی حسینی و دکتر مهدی موحدی بکنظر
- دولت و امور خیریه | ۵۰۱
- حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی
- کارکردهای سیاسی تکافل اجتماعی | ۵۳۱
- محمد رضا آرام
- آسیب‌شناسی فعالیت‌های خیریه جهادی و داوطلبانه در محرومیت‌زدایی و ارتقای تکافل اجتماعی | ۵۷۱
- محمد رضا شیخ‌الاسلامی
- نقش دولت در تأمین اجتماعی؛ برخی دیدگاه‌های رقیب | ۶۱۱
- محمد رضا قرایی

**معرفی کتاب**

- امکان‌سنجی بهره‌گیری از انفال برای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی | ۶۸۱
- نویسندگان: دکتر علی حیدری و دکتر رضا منوچهری راد
- نقش نظام مالیاتی در کارآمدی تأمین اجتماعی | ۷۲۱
- نویسنده: علی فلاح زیارانی

**علوم انسانی اسلامی؛ مجال اندیشی یا واقع‌بینی؟**

- مناظره حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمدحسین شریفی و دکتر علی بابا | ۷۸۱

**دولت از منظر فلسفه سیاسی**

- فقه سیاسی در آستانه یا بر آستان دولت‌سازی؟ | ۱۰۹۱
- نشست علمی با موضوع «شرایط نظری و عملی امکان تشکیل دولت»



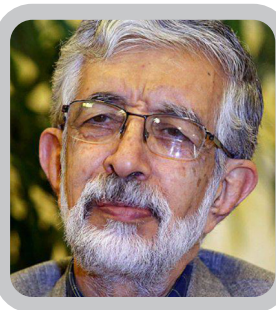
- شبکه قدرت در دولت اسلامی از منظر قرآن کریم | ۱۱۸ | حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی
- دولت در فلسفه سیاسی علامه طباطبایی | ۱۲۴ | حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد رضا یزدانی مقدم
- دولت آسمانی امام موسی صدر؛ در برابر فرقه‌گرایی و سکولاریسم | ۱۲۸ | دکتر شریف لکزایی
- جامعه آرمانی و بحران دولت سرمایه‌داری متأخر از دیدگاه هابرماس | ۱۳۴ | حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود شفیعی
- بی‌طرفی دولت در فلسفه سیاسی | ۱۴۲ | دکتر نجمه کیتخا

#### مشارکت و انتخابات در اندیشه اسلامی

- انتخابات در محضر قرآن | ۱۴۹ | گفت‌وگو با دکتر محمدحسین دانش کیا
- تأملی انسان‌شناختی بر ضرورت مشارکت سیاسی (مشارکت سیاسی، تلاقی کمال فرد و جامعه) | ۱۶۳ | دکتر غلامحسین گرامی
- تحلیل مبانی کلامی و جوب مشارکت سیاسی | ۱۷۰ | دکتر ابوذر رجیبی
- اخلاق رقابت انتخاباتی | ۱۸۵ | دکتر محمدجواد فلاح
- اخلاق پس از انتخابات | ۱۹۱ | حجت الاسلام والمسلمین دکتر مجید ابوالقاسم‌زاده
- تحلیل نقش انتخابات در نفی استبداد و ولنگاری، با تأملی در شواهد قرآنی و حدیثی | ۱۹۵ | حجت الاسلام والمسلمین دکتر کامران اویسی

#### ششمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

- علوم انسانی روح سایر علوم است | ۲۰۷ | حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمدحسین شریفی
- بیانیه پنجمین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی | ۲۱۱ | قرائت بیانیه توسط دکتر سید سعید زاهد زاهدانی
- اولویت ما باید تربیت نیروی انسانی در علوم انسانی اسلامی باشد | ۲۱۵ | دکتر محمدباقر قالیباف
- تحول علوم انسانی پروژه‌های قطعی و دفعی نیست | ۲۲۱ | دکتر غلامعلی حداد عادل
- علامه مصباح معارف اندیشه اسلامی را به علوم انسانی موجود توسعه داد | ۲۲۷ | آیت‌الله محمود رجیبی



■ علوم انسانی امروز، مغایر شریعت است | ۲۳۱

آیت‌الله علی‌اکبر رشاد

■ آمادگی لازم کشور در تحول علوم انسانی | ۲۳۵

دکتر عبدالله معتمدی

■ ارائه دهندگان و عناوین مقالات ارائه شده در کمیسیون‌های تخصصی ششمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی | ۲۴۰

#### کنفرانس ملی سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی

■ حکمرانی علمی در برابر حکمرانی خودسرانه | ۲۵۹

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی

■ شرایط خوبی در شاخص‌های اصلی حکمرانی اسلامی نداریم | ۲۶۵

دکتر میثم لطیفی

■ فرهنگ اسلامی باید در حد فاخر عرضه شود | ۲۷۱

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید سعید رضا عاملی

■ محور راهبردی در حکمرانی ولایی بر مبنای تربیت و مشارکت مردم است | ۲۷۷

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی

■ هدف اصلی حکمرانی فضای مجازی؛ اداره کشور طبق ارزش‌های انقلاب اسلامی | ۲۸۳

دکتر عبدالجسین کلانتری

■ تکنولوژی غربی را الگوی جامعه اسلامی قرار ندهیم | ۲۸۹

دکتر محمود حکمت‌نیا

■ مهم‌ترین مشکل در جمهوری اسلامی؛ واگرایی بین نظام‌های سیاسی و علمی | ۲۹۳

دکتر عطاءالله رفیعی آتانی

■ ورود صحیح علوم اجتماعی اسلامی در مبنای | ۲۹۷

دکتر مهدی حسین‌زاده بزدی

■ ارائه دهندگان و عناوین مقالات ارائه شده در کمیسیون‌های تخصصی کنفرانس ملی سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی | ۳۰۰



#### تأملات

- اصل توحیدی استکبارستیزی در جمهوری اسلامی | ۳۱۰ |
- حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر داود مهدوی‌زادگان؛ نقدی بر نظریه «تقدم قدرت بر دانش» نزد حجت‌الاسلام دکتر فیرحی ذات سیاست در انقلاب اسلامی دانش و قدرت است، اما با برتری دانش | ۳۲۳ | دکتر محسن سلگی
- قوانین حاکم بر حرکت تاریخ در اندیشه متفکران شیعه | ۳۳۰ | حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر جواد سلیمانی امیری
- تأملی در امکان فناوری اسلامی | ۳۳۷ | دکتر سید محمدحسین شجاعی
- نگاهی بنیادین به آینده آموزش مجازی | ۳۴۴ | دکتر ابراهیم راستیان

#### کتاب و نشر

##### نازدهای نشر

- در آمدی بر اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای | ۳۵۰ | مؤلف: مهدی جمشیدی
- آینده پژوهی انقلاب اسلامی (مبانی، روش‌ها و امکان‌ها) | ۳۵۸ | مؤلف: حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر ابوذر مظاهری مقدم
- نظریه معرفت‌شناسی در معماری اسلامی | ۳۶۴ | مؤلف: دکتر نسیم اشرافی

##### معرفی کتاب

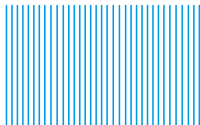
- علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم | ۳۶۸ | مؤلف: دکتر مهدی گلشنی
- حکمت سیاسی متعالیه | ۳۷۱ | مؤلف: دکتر شریف لکزایی
- آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد؟ | ۳۷۶ | مؤلف: دکتر مهدی گلشنی

##### معرفی رساله دکتری

- تبیین مبانی انسان‌شناسی در قرآن کریم و بررسی دلالت‌های آن در علوم انسانی قرآن بنیان با تأکید بر اندیشه علامه طباطبائی (ره) | ۳۷۹ | حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر محمدرضا فقیه‌ایمانی

#### رصد

- تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین سؤال پیش روی دانشگاهیان | ۳۸۶ |
- گزارشی از همایش ملی علوم انسانی و حکمت اسلامی
- رابطه نهاد علم و نهاد دین یکی از مسائل اساسی انقلاب اسلامی | ۳۸۹ |
- گزارش و بینار بین‌المللی رابطه نهاد علم و نهاد دین، تجارب جهانی



## ضرورت شفافیت و سادگی در تحقق نظام تأمین اجتماعی عادلانه

گفت و گو با دکتر محمد جواد رضائی

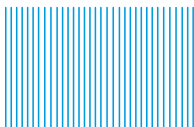
دکتر محمد جواد رضائی استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد است. او دانش آموخته دکتری علوم اقتصادی است و در حوزه «اقتصاد اسلامی» و «نظریات عدالت» دارای آثار علمی است. علاقه پژوهشی دکتر رضائی در موضوعات اقتصادی، شامل «اقتصاد بخش عمومی» و «اخلاق و اقتصاد» است. عناوین برخی مقالات منتشر شده از سوی ایشان عبارتند از: «فقه تعاملات اجتماعی یا نگاهی دیگر به هدف، روش و گستره موضوعی دانش اقتصاد»؛ «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی: دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه»؛ «تمرکززدایی مالی و اقتصاد اسلامی: برخی ملاحظات نظری در باب مالیات‌ستانی و تخصیص بودجه».

این گفت‌وگو دربارهٔ نظام تأمین اجتماعی عادلانه انجام شده است. در تقسیم‌بندی ساده و البته پیشنهادی ایشان، می‌توان انواع برنامه‌های حمایتی و تأمین را از دو نظر طبقه‌بندی کرد: نخست، از نظر مشارکتی یا غیرمشارکتی بودن و دوم، از نظر مالی یا غیرمالی بودن حمایت. بر این اساس، با چهار نوع برنامه حمایتی و تأمین روبه‌رو خواهیم بود. از دید ایشان، نظام تأمین و حمایتی مطلوب، برای تحقق اهدافش باید به اطلاعات تعیین‌کننده سطح نیازها و نوع نیازها دسترسی داشته باشد و همهٔ انواع حمایت‌های مالی از مجرای یک مسیر یکپارچه و متمرکز صورت پذیرد. در این صورت، نهادهای حمایتی و امدادی ضمن بازتعریف کارکرد خود، با رهاشدن از وظیفهٔ پایش و پرداخت کمک‌ها و یارانه‌های مالی، تمرکز خویش را بر حمایت‌های غیرمالی، خدماتی و کالایی خواهند برد.

مثلاً آیا تلقی معاصر از این واژگان مهم‌اند یا باید به کنکاش خاستگاه آن پردازیم؟ یا اینکه چه نسبتی باید میان یک مفهوم و سایر مفاهیم همسایهٔ آن برگزینیم؟ به نظر می‌رسد آنچه در اذهان ما به‌عنوان «تأمین اجتماعی» وجود دارد نیز از این قاعده مستثنا نیست. با مروری بر ادبیات نظام حمایتی و تأمین، متوجه می‌شویم که گاهی اصطلاح تأمین اجتماعی، که در اینجا منظور Social Security است، در معنایی بسیار عام استفاده شده است. در این تلقی بسیار عام، تأمین اجتماعی ناظر به برنامه‌های حمایتی از طیف گسترده‌ای از فقرا، نیازمندان و مددجویان

در آغاز بهتر است «تأمین اجتماعی» را تعریف کنیم. همان‌طور که می‌دانید، ما با واژه‌هایی چون «تأمین اجتماعی»، «حمایت اجتماعی» یا «مساعدت اجتماعی» مواجه‌ایم. این واژه‌ها با یکدیگر چه تفاوتی دارند؟ حتی به نظر می‌رسد روشن‌شدن مفاهیم دیگری چون «فقر» یا «بیکاری» نیز به تعریف دقیق این واژه‌ها کمک می‌کند.

در تعریف و تبیین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، همواره با دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی مواجه‌ایم؛



دوم، در مقابل برنامه‌های تأمین اجتماعی، برخی از انواع حمایت‌ها نیازمند مشارکت مالی افراد نیستند. این دسته را می‌توان «مساعدت اجتماعی» نام نهاد؛ برای نمونه، روشی که باید از معلولان یا فقرا جامعه حمایت شود. با این تعریف، برنامه‌هایی همچون تغذیه رایگان دانش‌آموزان و برنامه‌های کارایی نیز ذیل مساعدت اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند.

البته گفتنی است که مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری برنامه‌های تأمین اجتماعی در دوره معاصر، بروز برخی مشکلات برای نیروی کار و لزوم حمایت از ایشان بوده است. به بیان دیگر، نظام اقتصادی و اجتماعی در مغرب‌زمین به این جمع‌بندی رسید که باید با مشارکت نیروی کار و کارفرمایان، نظام تأمین اجتماعی الزامی را به‌منظور حمایت از نیروی کار ایجاد کند. این حمایت در هنگام بروز حوادث یا زمان ممکن نبودن کسب درآمد انجام می‌شود. از این رو؛ باید هنگام بررسی نظام حمایتی و تأمینی از افراد جامعه، به خاستگاه این برنامه‌ها و ابزارها نیز توجه شود.

### اگر چنین تفکیکی را میان تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی بپذیریم،

برای نهادهای گوناگون اجتماعی در تحقق این دو نوع از حمایت چه جایگاهی قائل خواهیم بود؟ به بیان دیگر، براساس این تقسیم‌بندی، چه تقسیم

#### وظایفی را می‌توان تعریف و طبقه‌بندی کرد؟

پیش از نگاه به وظایف نهادهای اجتماعی، باید به وظیفه‌ای مهم و مشترک در آحاد جامعه و حکومت توجه کنیم. اگر بهره‌مندی از نظام حمایتی عادلانه را حق همه افراد بدانیم و از سوی دیگر، حکومت را به‌عنوان نهادی بدانیم که بخشی از تکالیف را در این مسیر بر عهده دارد، به نظر می‌رسد تحقق این حقوق و تکالیف الزاماتی دارد که بدون گردن نهادن به آن، نمی‌توان انتظار پدیدار شدن پیامدهای مطلوب را داشت.

دراختیارداشتن اطلاعات جریان درآمدی و هزینه‌ای افراد جامعه و ارتباط آن با نظام مالیاتی، شرط لازم برای کارآمدی نظام حمایتی است؛ این بخش اعم از نظام تأمین اجتماعی و نظام مساعدت‌های اجتماعی است.

الگوی مدنظر و قابل دفاع آن است که حکومت به‌عنوان

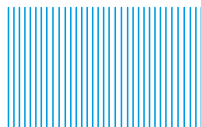
تعریف می‌شود. به‌طور خاص و برای نمونه، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، تأمین اجتماعی مستظهر به عضویت فرد در جامعه است؛ از این رو، طبیعتاً تحقق تأمین اجتماعی یا امنیت اجتماعی نیازمند طیف وسیعی از برنامه‌ها و شروط است.

در مقابل، برخی تلقیاتی از تأمین اجتماعی ناظر به بعضی برنامه‌های حمایتی یا بیمه‌ای خاص است. کم‌اینکه امروز در کشور ما اولین تلقی از واژه «تأمین اجتماعی»، برنامه‌هایی است که از سوی سازمان تأمین اجتماعی یا صندوق بازنشستگی کشوری اجرا می‌شود. در این معنای محدود، تأمین اجتماعی در قالب نوعی بیمه ظاهر می‌شود که مشروط به پرداخت حق بیمه ماهانه است و به‌نوعی، کارکردش جبران درآمد افراد در زمان بازنشستگی یا ازکارافتادگی است.

با افزوده شدن اصطلاحات مشابهی که برآمده از اندیشمندان اسلامی یا ادبیات بومی مان است، اهمیت ایجاد تمایز میان این واژه‌ها بیشتر آشکار می‌شود؛ برای نمونه، با مراجعه به آثار شهید صدر (ره) با واژه «تکافل عام» روبه‌رو می‌شویم که مشخصات آن باید با قرار گرفتن در فضای آثار و اندیشه‌های ایشان درک شود. این ما هستیم که مفاهیم را تعریف و طبقه‌بندی می‌کنیم. تنها نکته مهم هنگام طرح این مفاهیم آن است که منظور خود از آن را تا حد امکان، روشن کنیم.

با این مقدمه اگر به پرسش شما برگردیم، در طبقه‌بندی‌ای کلی و البته پیشنهادی، می‌توان نظام حمایتی و تأمینی افراد جامعه را به دو نوع کلی تقسیم کرد:

نخست، دسته‌ای از برنامه‌هاست که نیازمند نوعی مشارکت مالی فرد در تأمین مالی این حمایت است. برای این‌گونه برنامه‌ها عبارت «تأمین اجتماعی» را به‌کار می‌بریم. کارگر برای بهره‌گیری از حمایت درآمدی در زمان بیکاری، در زمان اشتغال با پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی، در قالب قراردادی مشخص، چنین حمایتی را برای خود تدارک می‌بیند. یا فرد برای بهره‌مندی از جریانی درآمدی در دوران بازنشستگی، به‌محض دریافت حقوق و دستمزد خویش، بخشی را به‌عنوان حق بیمه می‌پردازد و براساس قرارداد میان خود و صندوق تأمین اجتماعی، مستمری مشخصی در آینده دریافت خواهد کرد.





## دراختیارداشتن اطلاعات جریان درآمدی و هزینه‌های افراد جامعه و ارتباط آن با نظام مالیاتی، شرط لازم برای کارآمدی نظام حمایتی است؛ این بخش اعم از نظام تأمین اجتماعی و نظام مساعدت‌های اجتماعی است.


درآمد» است. از سوی دیگر، کارکرد مهم نظام حمایتی و تأمین، حفظ سطحی از درآمد یا معیشت برای افراد، به‌ویژه هنگامی است که به هر دلیلی امکان کسب درآمد وجود ندارد؛ از این رو، می‌توان افزون بر برنامه‌های تأمین اجتماعی که نوعی مشارکت مستقیم برای تأمین مالی آن از سوی خود افراد است، می‌توان از ابزار مالیات برای توزیع درآمد و تحقق سطح حداقلی از درآمد بهره گرفت.

نکته مهم این است: نظام مالیاتی که بر موضوع تضمین حداقلی از درآمد متمرکز است، عملاً به‌مثابه یک برنامه تأمین اجتماعی، با همان تعریف ارائه شده، تلقی می‌شود. با فرض وجود چنین نظام مالیاتی حمایتی یکپارچه‌ای، همه افراد به‌مثابه مودیان مالیاتی‌اند که نوعی مشارکت در فرایند مالیاتی دارند. این مشارکت و همکاری با نظام مالیاتی ممکن است منجر به آن شود که در برهه‌ای از عمر، به‌واسطه دراختیارداشتن منابع درآمدی چشمگیر، مالیات پرداخت کند و در بازه‌ای دیگر، حمایت یا یارانه دریافت کند. در این حالت، در کنار نظام تأمین اجتماعی الزامی و مشارکتی، که در قالب حق بیمه‌های تأمین اجتماعی ظاهر می‌شود، می‌توان از ابزار مالیات نیز بهره برد.

یکی از متولیان حمایت از آحاد جامعه، با دسترسی به اطلاعات اقتصادی افراد، ضمن اخذ مالیات بحق از افراد مشمول، کمک‌هایی را در اختیارشان می‌گذارد که در اصل جزء مساعدت‌های اجتماعی هستند و عملاً نیازمند مشارکت مالی ایشان نیست. در این الگو، افراد محق برای داشتن درآمدهای عمومی کشور، مثلاً درآمدهای نفتی، از مجرای این نظام اطلاعاتی به آن درآمدها دسترسی خواهند داشت. اکنون با توجه به سایر منابع درآمدی و نیز هزینه‌های مهمی همچون مخارج درمانی یا آموزشی، تشخیص داده می‌شود که با افراد چگونه رفتار شود. گونه اول آن است که با توجه به جمع درآمدها و هزینه‌ها، مالیاتی از او بگیرند؛

گونه دوم آن است که با توجه به قرار گرفتن مجموع درآمدها و هزینه‌ها در بازه مشخصی، هیچ مالیاتی از او نگیرند؛ گونه سوم نیز در مواجهه با افرادی است که براساس معیارهای ازپیش‌تعیین شده، حمایت مالی شوند تا فشار فقر و مشکلات معیشتی کاهش یابد.

دقت شود که در بحث تقسیم وظایف میان نهادهای اجتماعی، فقط با نهادهای حکومتی یا دولتی مواجه نیستیم، بلکه از سوی خود مردم، مؤسسه‌های خصوصی یا خیریه‌ها و شبکه روابط همسایگی و خویشاوندی نیز حمایت‌هایی صورت می‌گیرد. با وجود نظام اطلاعاتی پیش‌گفته، عملاً این قبیل حمایت‌ها نیز مشخص است و کمک‌های مالی انجام‌شده از این نهادها نیز در سرجمع درآمدهای افراد لحاظ می‌شود؛ بنابراین، اجازه و تأکید بر ایجاد شفافیت از سوی مردم و حکومت و حتی نهادهای خیریه خصوصی، می‌تواند در مجموع موجب تحقق اهداف حمایتی و احقاق حقوق آحاد جامعه شود.

 **لطفاً کمی راجع به ارتباط نظام حمایتی با نظام مالیاتی توضیح دهید و به‌طور خاص، اینکه شرط لازم برای کارآمدی نظام حمایتی را وجود این ارتباط دانسته‌اید. آیا به‌لحاظ مبنایی و کارکردی، نظام مالیاتی و نظام حمایتی از یکدیگر متمایز نیستند؟**

به یک معنا، خیر. دو کارکرد مهمی که برای مالیات عنوان می‌شود «تأمین مالی تدارک کالای عمومی» و «بازتوزیع



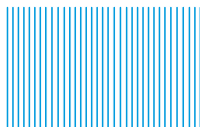
نیز ذیل برنامه‌های تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی تعریف کرد. انواع حمایت‌های انجام شده در هر دو صورت پیش گفته، می‌تواند به شکل مالی و غیر مالی باشد. منظور از برنامه‌های حمایت مالی در هر دو نوع تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی مشخص است؛ اما در این دو نوع برنامه می‌توان برنامه‌های حمایتی غیر مالی را نیز متصور بود. حمایت‌هایی که از جنس خدمات یا حتی حمایت‌های کالایی اند؛ از جمله حمایت‌هایی که هم می‌توان در نظام

تأمین اجتماعی و هم مساعدت اجتماعی تعریف کرد. فرض کنید فردی به دلیل بیکاری، از مستمری بیمه بیکاری بهره‌مند است و در کنار این حمایت مالی، حمایتی در قالب مشاوره یا حتی آموزش نیز می‌توان برای وی تعریف کرد. نظام تأمین اجتماعی می‌تواند درباره تغییر یا ارتقای مهارت‌های افراد در دوران بیکاری مسئولیت بپذیرد تا هرچه زودتر، شرایط اشتغال افراد را فراهم کند. در حوزه مساعدت‌های اجتماعی نیز همین مقوله وجود دارد. ناظر به این پرسش و براساس تقسیم‌بندی‌های ارائه شده، خدمات مددکاری یا مشاوره سازمان بهزیستی یا نگهداری معلولان و سالمندان نیز از نوع حمایت غیر مالی است. اگر الگوی پایش مجموع جریان درآمدی افراد، شامل

البته نباید از این نکته غافل بود که طرح تأمین اجتماعی متعارف، به عنوان برنامه‌ای حمایتی که مستلزم مشارکت مالی افراد در قالب بیمه اجتماعی است، به معنای موجه بودن یا عادلانه بودن آن نیست. منظور از «طرح برنامه تأمین اجتماعی» جایابی آن در طبقه‌بندی چهارگانه برنامه‌های حمایتی است. استدلال و ارائه دلیل برای هر یک از این برنامه‌ها نیازمند زمان خاص خود است.

**اگر موافق باشید، براساس این پیشنهاد،**  **به شرایط کنونی و ساختارهای موجود مربوط به نظام تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی نگاهی بیندازیم. با ایجاد چنین پایگاهی که کارویژه خودش را ایجاد شفافیت در جریان مالی افراد جامعه قرار داده و عهده‌دار پرداخت یارانه یا دریافت مالیات است، عملاً چه جایگاهی برای نهادهای خاص حمایتی، همچون کمیته امداد، مطرح خواهد شد؟**

در تقسیم مقدماتی از برنامه‌های حمایتی و تأمین، یک طبقه‌بندی براساس مشارکت مالی یا عدم مشارکت مالی افراد انجام شد. ضمن اینکه می‌توان طبقه‌بندی دیگری را



**اگر الگوی پایش مجموع جریان در آمدی افراد و جریان هزینه‌ای افراد، پیاده‌سازی شود، عملاً نهادهای خاصی همچون کمیته امداد، سازمان بهزیستی و حتی نهادهایی مثل بنیاد شهید و امور ایثارگران نیازی به تمرکز بر حمایت‌های مالی نخواهند داشت.**

کارویژه‌شان در ارائه حمایت‌ها و کمک‌های مشورتی، خدماتی، مددکاری یا کالایی است، بر ایفای چنین نقش‌هایی متمرکز شوند.

**با چنین پیشنهادی، بیم کاهش فعالیت‌های خیریه و حمایتی از سوی مردم نمی‌رود؟ گویی این احساس منتقل می‌شود که دولت با توجه به این نظام مالیاتی حمایتی، قرار داشتن هر فرد در سطحی حداقلی از معیشت و درآمد را تضمین می‌کند و عملاً انگیزه درونی افراد برای کمک به دیگران کاهش می‌یابد.**

این نگرانی بلاوجه است؛ نخست آنکه چون کمک‌های نهادهای خیریه یا افراد خیر به‌عنوان جریان ورودی افراد نیازمند تعریف شده است، از منظر دولت به‌مثابه هزینه‌ای مقبول و حتی اعتبار مالیاتی تلقی می‌شود؛ در نتیجه، می‌تواند موجب تشویق کمک‌های خیریه شود. به دیگر بیان، حکومت با این کمک‌ها به‌مثابه ابزاری برای انجام وظیفه خود برخورد می‌کند که همان رفع فقر یا حمایت از طبقات کم‌درآمد است. از این رو، به‌نوعی موجب تشویق این

انواع حمایت‌های خیریه خصوصی یا استحقاق‌های مالی علی‌السویه میان افراد جامعه و جریان هزینه‌ای افراد، شامل هزینه‌های مهم و ضروری همچون مخارج درمانی می‌شود، پیاده‌سازی شود، عملاً نهادهای خاصی همچون کمیته امداد، سازمان بهزیستی و حتی نهادهایی مثل بنیاد شهید و امور ایثارگران نیازی به تمرکز بر حمایت‌های مالی نخواهند داشت؛ و این یعنی ساده‌شدن تکالیف این نهادها و البته تسهیل مواجهه آحاد جامعه با این نهادها.

این یعنی از بین بردن بخش زیادی از مسئولیت‌ها و سختی‌هایی که بر دوش این نهادها گذاشته شده است. اتفاقاً به دلایل گوناگون، از جمله نبود یک نظام یکپارچه اطلاعاتی، هرگز به تحقق اهداف مدنظرشان منتج نمی‌شود. به لحاظ مبنایی نیز باید به این نکته دقت داشت که در یک حکومت اسلامی، تنوع نهادهای حمایت مالی و نقدی، وجهی ندارد؛ اگر همه اجرای حکومت اسلامی و البته دولت اسلامی را بازوان و مجریان اهداف حکومت اسلامی بدانیم، پرداخت کمک‌های مالی به افراد در ساختار نظام مالیاتی-حمایتی وافی به مقصود خواهد بود؛ چرا باید نهادهایی که قرار است مجریان اهداف حکومت باشند، به شکل موازی رفتار کنند؟ برای حاکم اسلامی از نظر پرداخت حمایت‌های مالی، همان‌قدر کمیته امداد به عنوان بازوی اجرایی است که سازمان بهزیستی یا بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ بنابراین باید نگاهی کلی نسبت به اجزای حکومت اسلامی داشته باشیم و از موازی کاری یا پیچیده کردن شرایط اجتناب کنیم.

حال که وظیفه همه‌گونه حمایت مالی برای افراد از طریق سامانه‌ای متمرکز انجام می‌شود، نهادهای حمایتی خاص به تدارک و تمرکز بر حمایت‌های غیرمادی، همچون انواع خدمات یا حمایت‌های کالایی خواهند پرداخت؛ بنابراین، تحقق چنان الگویی، لزوماً نیازمند برچیده‌شدن کمیته امداد یا سازمان بهزیستی نیست؛ اتفاقاً با این چنین وظایف، می‌توانیم شاهد چابک و حرفه‌ای شدن نهادهایی همچون کمیته امداد یا بنیاد شهید و امور ایثارگران باشیم.

بنابراین، ایده اصلی برای بازطراحی نهادهای مرتبط با حمایت از افراد جامعه، آن است که هرگونه کمک نقدی به افراد مستحق در جامعه صرفاً از طریق نظام یکپارچه حمایتی مالیاتی انجام شود و نهادهایی که تخصص و

بیشتری به حقوق خود می‌رسند و نگرانی رعایت‌نشدن انصاف در این پرداخت‌ها را ندارند.

**مقام معظم رهبری اخیراً بر لزوم توجه به عدالت در قالب پیوست عدالت تأکید داشتند؛ اگر بخواهیم به موضوع سیاست‌گذاری در حوزه حمایت‌های اجتماعی توجه کنیم، تبیین شما از این پیوست‌نگاری چیست؟**

شاید در برخی حوزه‌ها یا برنامه‌ها، براساس ملاحظات عدالت، امکان تأمل و بازطراحی وجود داشته باشد؛ برای نمونه، در برنامه توسعه صنعتی که معمولاً با هدف افزایش رشد و اشتغال انجام می‌شود، پیوست عدالت به معنای توجه به ملاحظات زیست‌محیطی یا شیوه توزیع بهره‌مندی مناطق یا افراد گوناگون از ظرفیت اشتغال آن برنامه است؛ اینکه این برنامه به نسل‌های آتی ضرر نرساند یا فقط برای افراد خاصی ایجاد شغل نکند.

اما در حوزه نظام حمایتی و تأمین، عدالت نه به‌مثابه یک پیوست، بلکه به‌عنوان رکن اصلی تنظیم‌گری و تصمیم‌گیری است. در حوزه تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی، عملاً با مقوله عدالت سروکار دارد و عدالت در قامت یک ملاحظه یا معیاری جانبی مطرح نمی‌شود؛ از این رو، باید به عادلانه‌بودن مبانی و اصول هر طرح یا تلقی پیشنهادی از مفاهیم موجود در ادبیات نظام حمایت و تأمین اجتماعی توجه کرد.

به نظر می‌رسد اگر افراد سهم خویش از درآمدهای عمومی را دریافت کنند که قابلیت توزیع علی‌السویه میان آحاد جامعه را دارد و همچنین همگی مؤدی نظام مالیاتی کارایی مبتنی بر مجموع درآمد باشند، عملاً عدالت به معنای تحقق حقوق افراد نیازمند و مستحق رعایت می‌شود و افراد، نگران بروز نوسانات شدید در درآمدهای خود نخواهند شد. در کنار این نظام تأمین اجتماعی مشارکتی که می‌تواند در برهه‌ای مطالبه مالیات کند و در زمانی دیگر، یارانه‌ای را به افراد تخصیص دهد، می‌توان از نظام‌های بیمه‌ای اجباری یا اختیاری هم استفاده کرد که البته براساس اشاره‌ای که شد، و جاهد این نوع برنامه‌ها باید به‌طور مجزا و دقیقی بررسی شود. □



حمایت‌های مالی می‌شود.

بنابراین، به این نکته باید توجه کرد که چه قواعدی را برای این عرصه تعریف می‌کنیم. در تجربیات جهانی نیز با توجه به اینکه دولت‌ها تمایل به مشارکت مردم در کمک به انواع خیریه‌ها دارند، این قبیل پرداخت‌ها به‌نوعی در مجموع درآمدها و هزینه‌های آنها دیده می‌شود. ثانیاً، این اقدام موجب بازتعریف کمک‌های خیریه و تمرکز افراد و مؤسسات بر ارائه خدماتی می‌شود که موجب تعامل بهتر با جامعه هدف خواهد شد. ارائه خدمات مشاوره، آموزشی یا بهداشتی از سوی خیرین، سازگاری بیشتری با کرامت انسانی افراد دریافت‌کننده این حمایت‌ها دارد.

آنچه در نمونه‌هایی همچون حرکت‌های جهادی می‌بینیم، می‌تواند به‌نوعی در همین راستا تصور شود. تمرکز پرداخت حمایت‌های مالی در یک نظام مالیاتی حمایتی موجب سادگی و آسانی در خور توجهی برای نهادهای خیریه و نیز خود مردم خواهد شد؛ نهادهای خیریه بر مسئولیت ارائه خدمات و احیاناً انتقال حمایت‌های کالایی خاص به نیازمندان متمرکز می‌شوند و افراد نیز در بُعد حمایت‌های مالی، بدون سروکار داشتن با نهادهای گوناگون، با راحتی

